

ای مردم سودان! تا به کی این ستیز، سوخت آتش آزمندی‌های جهانی و کشمکش‌های آنان با نقشه‌های خیبت و مداخلاتشان باقی خواهد ماند؟! تا به کی به طرف‌های درگیر سلاح می‌رسند تا آن را تمام‌و‌کمال به جنگ آورند؟! بیش از دو سال است که زنان و کودکان شما از این نزاع خونین رنج می‌برند؛ نزاعی که تأمین‌کننده منافعی نیست، مگر منافع غرب و مزدورانش که سودان را به دلیل موقعیت و ثروت‌هایش، پیوسته در طمع خود دیده‌اند. از این‌رو، پاره‌پاره کردن و تجزیه این سرزمین، عین مصلحت آن‌هاست و تسلط نیروهای پشتیبانی سریع بر شهر فاشر، تنها حلقه دیگری از این توطئه‌هاست؛ چرا که آمریکا با این کار، می‌خواهد منطقه دارفور را جدا کرده و نفوذ خود را در سودان متمرکز سازد و به نفوذ بریتانیا در آنجا پایان دهد.



در این شماره می‌خوانید :

پیروزی «زهران مدعانی» به‌عنوان شهردار نیویورک؛ نقضین شکست برای سیاست‌های ترامپ... ۲

نتایج دیدار رئیس‌جمهور آمریکا با همتای چینی‌اش در کره جنوبی... ۲۰

شماره ۱ مبادا غرب ثمره انقلاب ما را ببیند... ۴۰

بحران آمریکا و ونزوئلا... ۴۰

چهارشنبه ۲۱ جمادی الاول ۱۴۴۷ هـ، ۱۲ نوامبر ۲۰۲۵ م، ۲۱ آبان ۱۴۰۴ ش

پیشوایی که هرگز به پیروانش دروغ نمی‌گوید

شماره: ۵۷۳ تعداد صفحه: ۴

مقاله برگزیده

آیا درگیری در لیبی دوباره شعله‌ور خواهد شد؟

استاد نبیل عبدالکریم

در دل بحرایی بزرگ آفریقا، خطوطی پنهان امتداد یافته‌اند که «دارفور» سودان را به جنوب لیبی پیوند می‌دهند؛ نه فقط از خلال شنزارها و راه‌های قدیمی، بلکه از رهگذر پیوندهای قبیله‌ای، منافع مشترک و شبکه‌های نفوذی که مرزها را به رسمیت نمی‌شناسند.

از زمان سقوط «قذافی» در سال ۲۰۱۱، رقابتی بین‌المللی میان آمریکا و بریتانیا بر سر لیبی آغاز شد. این رقابت شدت گرفت تا آنکه در ۱۰ مارس ۲۰۱۱، دولت اجرایی جدید منتخب توانست در مجلس نمایندگان لیبی ۱۳۲ رای از مجموع ۱۸۸ رای را به‌دست آورد و به‌این‌ترتیب، اعتماد مجلس را برای دولت «عبدالحامید دبیبه» نامزد معرفی‌شده از سوی فرستاده آمریکایی «استفانی ویلیامز» جلب کند. پس از آن، دولت «فایز السراج» شکست خورد و بیدرتنگ قدرت را واگذار کرد.

سپس کشمکش سیاسی تازه‌ای آغاز شد؛ برخی کشورها کوشیدند با پول‌های آلوده سیاسی، از طریق رشوه و خرید آرا و جودان‌ها، مسیر تصمیم‌گیری را منحرف کنند. در این میان، گزارش‌ها به نقش امارات در تلاش برای ارتدادی بر گزینش اعضای «مجمع گفت‌وگوی ملی لیبی» اشاره داشتند (الجزیره نت، ۱۶ نوامبر ۲۰۲۰). پس از این دوره، اتکای آمریکا به «مختار» کاهش یافت و او به‌طور موقت از صحنه سیاسی کنار رفت. در نتیجه، محسنه سیاسی لیبی کاملاً به سود آمریکا تغییر یافت. هرچند تلاش‌های بریتانیا و برخی کشورهای اروپایی از جمله فرانسه و ایتالیا برای حفظ نفوذ سیاسی و منافعی‌شان همچنان ادامه داشت.

در این دوره خفا حکومتی، در جنوب لیبی مزدوران محلی قبیله‌ای جدید آموختند که کنترل راه‌های قافا را در دست گرفتند و با گروه‌هایی از دارفور و بویژه جنبش‌های «عدالت و مساوات» و «آزادی سودان» روابط نزدیک برقرار کردند. جنوب لیبی به پناهگاهی امن برای تأمین مالی، آموزش نظامی و تجارت طلا و سلاح بدل شد. این وضعیت میان سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ ادامه داشت. سپس «مختار» به‌تدریج از حمایت مصر دامنه نفوذ خود را از شرق لیبی تا جنوب گسترش داد و با اتکا به قدرت نظامی، نوعی کنترل نسبی برقرار کرد. در آن دوران، شماری از جنگجویان دارفور در لیبی به‌عنوان مزدور فعالیت می‌کردند و حکومت «البشیر» نیز از این وضعیت سود می‌برد. اما پس از سقوط البشیر در سال ۲۰۱۹، ماهیت رابطه سودان و لیبی به‌کلی دگرگون شد.

پس از امضای توافق آتش‌بس لیبی با میانجی‌گری سازمان ملل در سال ۲۰۲۰، درخواست‌هایی برای خروج جنگجویان خارجی از لیبی، از جمله مزدوران سودانی، مطرح شد. با این حال، تا سال ۲۰۲۲ شمار زیادی از آنان همچنان در شهرهای «سبها»، «مرزق» و «الو» باقی‌مانده بودند.

اما با آغاز جنگ میان ارتش سودان و نیروهای پشتیبانی سریع در سال ۲۰۲۳، برخی از این گروه‌ها به جنوب لیبی گریختند. اکنون، پس از پیروزی «حمیدتی» در دارفور و ارتکاب کشتار در آخرین پایگاه مقاومت، شهر «فاشر»، نشانه‌هایی از تحرک قبایل وفادار به او در جنوب لیبی پدیدآمده است؛ بویژه قبایل «توبو» و «مهامید»، این امر می‌تواند بار دیگر آتش درگیری‌ها را در لیبی شعله‌ور سازد. بویژه در منطقه «زنان»، در میان تنش‌های فزاینده میان نیروهای مختار و حضور روسیه، احتمالاً در برابر تحرکات حمیدتی، شاهد دخالت ترکیه نیز خواهیم بود. این روند می‌تواند حمیدتی را طبعاً به فرمان آمریکا به ورود به جنوب لیبی وادار تا با تحریک درگیری‌های قبیله‌ای بر پایه امتداد قبیله‌ای خود، زمینه تجزیه جنوب لیبی را به تقسیم متعدد استفاده کند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- فشارقوی علیه مختار؛ با حضور قبایلی که از حمیدتی حمایت

دارد

دارد

سودان پس از سیطره نیروهای پشتیبانی سریع بر شهر فاشر

عالم گرانقدر عطا بن خلیل ابو الرشته

چهار سوال



پرسش: مسعد بولس مشاور ارشد «دولت ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در امور خاورمیانه، تأیید کرد که ارتش سودان و نیروهای پشتیبانی سریع با آتش‌بسی سه‌ماهه موافقت کرده‌اند؛ بر اساس طرح «گروه چهارجانبه» متشکل از امارات، ایالات متحده، عربستان سعودی و مصر که در دوازدهم سپتامبر گذشته اعلام شده بود (اسکای‌نیوز عربی، ۳ نوامبر ۲۰۲۵). این موافقت طرف‌های سودانی، یعنی حکومت و نیروهای پشتیبانی سریع، با طرح آمریکایی پس از آن که نیروهای پشتیبانی سریع بر شهر «فاشر» در سودان مسلط شدند، صورت گرفت. اما پشت پرده این موافقت‌ها با طرح آمریکا چیست؟ و چه بر سر ارتش سودان آمده که نیروهای پشتیبانی سریع توانستند بر پایتخت ایالت دارفور، یعنی فاشر، شهری بزرگ، مستحکم و در تالشی که ارتش مدتی طولانی از آن با شدت دفاع می‌کرد، تسلط یابند؟ چگونه این شهر سقوط کرد و ابعاد و پیامدهای این رخداد چیست؟

پاسخ: برای روشن‌شدن پاسخ این پرسش‌ها، موارد زیر را ۱- عبدالفتاح برهان، رئیس شورای حاکمیت سودان گفت: ملت سودان و نیروهای مسلح پیروز خواهند شد و افزود که نخست: وب‌سایت شبکه الجزیره در تاریخ ۲۸ اکتبر ۲۰۲۵ تصمیم فرماندهی در فاشر (مرکز ایالت شمال دارفور ترک نوشت: «نیروهای پشتیبانی سریع صبح یکشنبه اعلام کردند شهر بود، به‌مسبب آن‌که شهر دچار «ویرانی نظام‌مند» شده که پس از محاصره‌ای بیش از یک‌ساله، کنترل شهر فاشر بود (الجزیره نت، ۲۷ اکتبر ۲۰۲۵). او سپس سخنانی گفت را به‌دست گرفت. این بدان معناست که نیروهای مزبور که بیش از حد تکراری و بی‌ثمر بود: «نیروهای ما توانایی اکنون بر تمام پنج ایالت دارفور مسلط شده‌اند و کشور عملاً پیروزی، تغییر معادله و بازپس‌گیری سرزمین‌ها را دارند. میان شرق در اختیار ارتش سودان و غرب تحت کنترل ما مصمم هستیم که خون شهیدان‌مان را پاس داریم و نیروهای پشتیبانی سریع تقسیم شده است.» از همین انتقام‌شان را بگیریم».

گزارش کوتاه الجزیره برمی‌آید که تسلط نیروهای پشتیبانی ۲- منابع نظامی سودانی به شبکه الجزیره گفتند که ارتش سریع بر شهر فاشر چیزی فراتر از پیروزی در نبردی بر سر سودان مقرر فرماندهی یکی از تیپ‌های خود در شهر فاشر یک شهر است؛ بلکه به‌منزله پیروزی بر کل منطقه دارفور را «به دلیل تاکتیکی» تخلیه کرده است (الجزیره نت، ۲۷ اکتبر ۲۰۲۵). به‌شکلی چشمگیر است. زیرا نیروهای پشتیبانی سریع اکتبر ۲۰۲۵).

بیش از یک سال این شهر را در محاصره داشتند. بی‌آنکه این اظهارات، چه از سوی «عبدالفتاح برهان» و چه از منابع سلاح‌های سنگین یا پیشرفته‌ای در اختیار داشته باشند نظامی وابسته به او، به‌روشنی و بی‌هیچ ابهامی نشان می‌دهد که بتوانند با آن بر تیپ‌های ارتش سودان که از شهر که خود ارتش بود که شهر فاشر را تخلیه کرد و آن را در دفاع می‌کردند غلبه کنند. آن تیپ‌ها طی یک سال تمام با برابر نیروهای پشتیبانی سریع رها ساخت تا به غنیمت آنان شایستگی از شهر دفاع کردند؛ اما ناگهان حکومت «برهان» درآید.

شهر را به شورش جدایی‌طلب «ممدان دقلو» (ملقب به دوم: دولت «برهان» و فرماندهی نظامی‌اش در طول یک «حمیدتی») فرمانده نیروهای پشتیبانی سریع، تسلیم کرد سال، از ارسال هرگونه پشتیبانی نظامی یا لجستیکی از و این تسلیم، امری آشکار و بی‌پرده بود:

دارد

هستی از حزب التحریر / ولایت سودان با شماری از بزرگان شهر الأبيض دیدار کرد

در روز دوشنبه سوم نوامبر ۲۰۲۵ میلادی، هستی از حزب‌التحریر ولایت سودان، به دیدار شماری از بزرگان و اعیان شهر الأبيض (مرکز استان کردفان شمالی) رفت. ریاست این هیئت بر عهده استاد النذیر محمدحسین ابو مناج، عضو شورای حزب‌التحریر در ولایت سودان، بود و مهندس بانقا حامد و استاد محمد سعید بوکر، هر دو از اعضای حزب‌التحریر، وی را همراهی می‌کردند.

دیدارها با شخصیت‌های زیر انجام شد: استاد خالد حسین، رئیس حزب اتحادیه دموکراتیک، شاخه جلا، الازهری. دکتر عبداللّه یوسف ابو سیل، وکیل دادگستری و استاد حقوق در دانشگاه‌ها. شیخ عبدالرحیم جوده؛ از جاعت انصار السنه.

آقای احمد محمد: خبرنگار خبرگزاری سوتا (خبرگزاری رسمی سودان) این دیدارها به مسئله روز (موضوع اصلی کنونی) اختصاص یافت؛ یعنی سقوط الفاشر و جنایات شبه‌نظامیان که به دنبال آن علیه مردم شهر رخ داد، و همچنین کوتاهی و سستی فرماندهان ارتش که در قبال مردم الفاشر و شکستن محاصره به وظیفه خود عمل نکردند، درحالی‌که در تمام مدت محاصره و علی‌رغم بیش از ۲۶۶ حمله مکرر، توانایی انجام آن را داشتند.

سپس هیئت نسخه‌ای از منشور حزب‌التحریر ولایت سودان را با این عنوان به ایشان تقدیم کرد: «سقوط فاشر، مسیر را برای طرح آمریکا جهت داکردن منطقه دارفور و تمرکز نفوذش در سودان بار می‌کند؛ تا کی هیزم نزاع بین‌المللی باشیم؟». واکنش‌های این شخصیت‌ها قابل‌توجه بود و آن‌ها خواهان تداوم این دیدارها و ارتباطات شدند.

درحالی‌که آمریکا به‌سرعت در حال پیشبرد پروژه هتراسازی و تسلیم در لبنان و منطقه است و اداره ترانسپ و تیشم می‌کوشند شمار بیشتری از حکام کشورهای مسلمان را به قراردادهای ابراهیم ملحق کنند، سفر نماینده آمریکایی مورگان اورتکاس به لبنان و به رژیم یهود غاصب، حامل فشارها، تهدیدها و شروط سیاسی، امنیتی و اقتصادی برای لبنان بوده است؛ این در حالی است که این سفر هم‌زمان با سفر دبیرکل جامعه عربی و مدیر سازمان اطلاعات مصر انجام شد و به‌منظر می‌رسد همه این تحرکات در یک راستا قرار دارند.

نسبت به این سفرها، دفتر اطلاع‌رسانی حزب التحریر در «ولایت لبنان» در بیانیه‌ای بر نکات زیر تأکید کرده است:

اول: دخالت‌های آمریکا و پیروانش در سرزمین‌های مستعمرانه خدمت به منافع آمریکا و رژیم یهود است و نه خدمت به ما؛ خصوصاً اینکه آمریکا بزرگ‌ترین حامی آشکار رژیم یهود در سیاست، اقتصاد، پول، تسلیحات و رسانه است.

دوم: این سفر، سفری بی‌طرفانه نیست؛ همان‌طور که برخی کمان می‌روند. این اقدام در چارچوب سیاست روشنی از جانب آمریکا در منطقه قرار دارد که از رژیم یهود حمایت می‌کند و به توانمندسازی آن از نظر نظامی و سیاسی می‌انجامد. آنچه نماینده آمریکایی عرضه می‌کند، تحمیل تسلط و تثبیت وابستگی و کاستن از حاکمیت است؛ نوعی تسلیم و خضوع در برابر یهود که اهل اسلام آن را نمی‌پذیرند.

سوم: پذیرش این تحمیل‌ها و امضای هرگونه توافق که ولایت و سرپرستی بیگانه را تثبیت کند خیانت به الله سبحانه‌و‌تعالی و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلم و امت است و خیانت به هر روشنی از جانب آمریکا در منطقه قرار دارد که از رژیم یهود حمایت می‌کند و به توانمندسازی آن از نظر نظامی و سیاسی می‌انجامد. آنچه نماینده آمریکایی عرضه می‌کند، تحمیل تسلط و تثبیت وابستگی و کاستن از حاکمیت است؛ نوعی تسلیم و خضوع در برابر یهود که اهل اسلام آن را نمی‌پذیرند.

چهارم: تعامل با رژیم یهود نزد اکثریت قریب به‌اتفاق مردم لبنان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، از نظر شرعی و حتی از منظر قانون وضعی‌ای که قدرت لبنان در مبنای آن حکومت می‌کند، و همچنین از منظر حقوق انسانی، جرم بشمار می‌آید؛ بویژه پس از جنایت نسل‌کشی‌ای که آن رژیم در غزه مرتکب شدند آنچه که هرگز از انجام اتمام آن در لبنان و دیگر سرزمین‌های مسلمان دریغ نخواهند کرد.

پنجم: هجوم و حمله آمریکایی علیه منطقه نخواهد گذشت و آمریکا در تلاشش برای شکل‌دادن منطقه بدخواه خود موفق نخواهد شد. اگرچه آمریکا پروژه‌ای برای منطقه دارد که مبتنی بر استعمار، سرزمین‌های مسلمان دریغ نخواهند کرد. پنجم: هجوم و حمله آمریکایی علیه منطقه نخواهد گذشت و آمریکا در تلاشش برای شکل‌دادن منطقه بدخواه خود موفق نخواهد شد. اگرچه آمریکا پروژه‌ای برای منطقه دارد که مبتنی بر استعمار، سرزمین‌های مسلمان دریغ نخواهند کرد. پنجم: هجوم و حمله آمریکایی علیه منطقه نخواهد گذشت و آمریکا در تلاشش برای شکل‌دادن منطقه بدخواه خود موفق نخواهد شد. اگرچه آمریکا پروژه‌ای برای منطقه دارد که مبتنی بر استعمار، سرزمین‌های مسلمان دریغ نخواهند کرد. پنجم: هجوم و حمله آمریکایی علیه منطقه نخواهد گذشت و آمریکا در تلاشش برای شکل‌دادن منطقه بدخواه خود موفق نخواهد شد. اگرچه آمریکا پروژه‌ای برای منطقه دارد که مبتنی بر استعمار، سرزمین‌های مسلمان دریغ نخواهند کرد.

در پایان، حزب التحریر ولایت لبنان اعلام می‌دارد که به‌مبارزه با هجوم آمریکا و پروژه هتراسازی و تسلیم در برابر لبنان و منطقه ادامه خواهد داد و هیچ چیز او را از این مسیر باز نخواهد داشت. ما به حکومت لبنان هشدار می‌دهیم که در مسیر هتراسازی و تسلیم گام بردارد؛ از حکومت می‌خواهیم در پناه مردمش بایستد و با این تهدید مقابله کند و مسلمان را با توجیه مرزها یا بازسازی یا تأثیرات نظم بین‌المللی بازیچه نکند و الله سبحانه‌و‌تعالی غالب بر امر خود است، و اکثر مردم ندانند.

پیروزی «زهران ممدانی» به عنوان شهردار نیویورک؛ نخستین شکست برای سیاست‌های ترامپ

استاد احمد الخطوانی



در انتخابات شهرداری شهر نیویورک، بزرگترین شهر ایالات متحده آمریکا که در چهارم نوامبر برگزار شد، «زهران ممدانی» پیروز گردید و بدین‌ترتیب نخستین شهردار مهم‌ترین شهر آمریکا شد که به جریان «سوسیال‌دموکرات مترقی» وابسته به حزب دموکرات، رقیب اصلی حزب جمهوری‌خواه حاکم تعلق دارد. او با اختلافی چشمگیر بر نزدیک‌ترین رقیب خود پیروز شد. ممدانی فارغ‌التحصیل رشته ادبیات و خواننده موسیقی «رپ» آمریکایی است و اکنون سی‌وچهار سال دارد. او فرزند پدری با ریشه‌های هندی است؛ خانواده‌ای که به‌ظاهر خود را منتسب به اسلام می‌دانند، اما در حقیقت به فرقه اسماعیلیه نزاری تعلق دارند، فرقه‌ای که هیچ‌یک از مذاهب اسلامی هندو است. فضای خانواده او آکنده از اندیشه‌های سکولار است و دین در روابط اجتماعی آنان حضوری ندارد.

زهران ممدانی از حامیان سرسخت اعطای حقوق به همجنس‌گرایان و افراد دارای گرایش‌ها یا هویت‌های جنسی متفاوت است. او شخصاً ده‌ها میلیون دلار طریق گروه‌های وابسته به جریان خود در حزب دموکرات برای پشتیبانی از این افراد جمع‌آوری کرده است، به‌مانه حمایت از اصل «برابری حقوق برای همه اقشار جامعه».

به وجود آنگه چندین میلیارد بر جسته، ۲۲ میلیون دلار برای حمایت از رقیب اصلی او هزینه کردند، ممدانی توانست با سهولت بر همه رقبای غایب، حتی تهدیدهای مکرر «دونالد ترامپ» علیه نامزدی او نیز نتوانست مانع صعود سیاسی‌اش شود.

این پیروزی، نخستین شکست سیاسی نامزدهای حزب جمهوری‌خواه از زمان رسیدن ترامپ به قدرت به‌شمار می‌رود و نخستین ضربه واقعی به سیاست‌های محسوب می‌شود که در سال نخست ریاست‌جمهوری او، محنة سیاسی آمریکا را درنوردیده بود. بااین‌حال، دلیل اصلی پیروزی ممدانی نه «مسلمان بودن» او بود، نه «هजार بودنش» و نه حتی گرایش سوسیال‌دموکراتیکش، بلکه عامل حقیقی پیروزی او حمایت گسترده و یکپارچه حزب دموکرات از وی بود. ممدانی در اصل عضو رسمی حزب دموکرات است، هرچند به جریان گپ‌رآپ سوسیالیستی آن که جناح ضعیف‌تری در درون حزب به‌شمار می‌رود، تعلق دارد، برنامه انتخاباتی او که مدافع طبقات فقیر و پشتیبان موسسات عمومی بود، از مهم‌ترین عوامل پیروزی‌اش به‌شمار می‌رفت؛ زیرا جامعه نیویورک به‌شدت از سرمایه‌داران طمع و بی‌رحم خسته شده است همان کسانی که مردم را به فقر گشاده، اموال عمومی را غارت کرده و همچنین را با پایتخت اقتصادی کشور برای افزایش ثروت خود خصومی‌سازی کرده‌اند.

ممدانی در برنامه خود وعده داد که خدمات درمانی رایگان برای همه فراهم کند، آموزش دولتی را تقویت نماید، حمل‌ونقل عمومی را برای دانش‌آموزان، مقاطع ابتدایی رایگان سازد، قیمت مسکن را ثابت نگه دارد، دستمزد کارگران را افزایش دهد، از اخراج مهاجران جلوگیری کند، خدمات عمومی را بهبود بخشد و مالیات را تنها از ثروتمندان بگیرد. او الگوی کشورهای اسکندینیای و نظام «اقتصاد رفاه»

«كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ، دَمُهُ وَمَالُهُ وَعَرَضُهُ»

به هر مسلمان، به هر افسر و سرباز و پلیسی، به هر کس که مالک سلاخی است (هشدار می‌دهیم): الله سبحانه‌وتعالی عقل را به ما بخشیده تا آن تفکر کنیم و بر ما واجب کرده است که آن را به شیوه صحیح به کار گیریم. لذا هیچ کس پیش از آنکه حکم شرعی عمل یا گفتار خود را بدهد، نباید دست به هیچ کاری بزند یا سخنی بر زبان آورد. آگاهی از حکم شرعی، مستلزم فهم واقعیت مرفرت؛ زیرا جامعه نیویورک به‌شدت از سرمایه‌داران طمع و بی‌رحم خسته شده است همان کسانی که مردم را به فقر گشاده، اموال عمومی را غارت کرده و همچنین را با پایتخت اقتصادی کشور برای افزایش ثروت خود خصومی‌سازی کرده‌اند.

ممدانی در برنامه خود وعده داد که خدمات درمانی رایگان برای همه فراهم کند، آموزش دولتی را تقویت نماید، حمل‌ونقل عمومی را برای دانش‌آموزان، مقاطع ابتدایی رایگان سازد، قیمت مسکن را ثابت نگه دارد، دستمزد کارگران را افزایش دهد، از اخراج مهاجران جلوگیری کند، خدمات عمومی را بهبود بخشد و مالیات را تنها از ثروتمندان بگیرد. او الگوی کشورهای اسکندینیای و نظام «اقتصاد رفاه»

نتایج دیدار رئیس‌جمهور آمریکا با همتای چینی‌اش در کره جنوبی

استاد اسعد منصور

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین، در تاریخ ۲۰ اکتبر ۲۰۲۵ در کره جنوبی دیداری مد دقیقه‌ای برگزار کردند؛ این دیدار در حاشیه سی‌ودومین نشست «مجمع همکاری اقتصادی کشورهای آسیا و اقیانوس آرام» انجام شد و به توافق‌هایی انجامید که در سخنان دو طرف آشکار گردید. ترامپ این نشست را «شفقت‌انگیز» توصیف کرد و گفت: «ما در واقع بر سر بسیاری از مسائل به توافق رسیدیم و اکنون درباره موارد بیشتری نیز توافق خواهیم کرد. فکر می‌کنم ما برای مدت طولانی رابطه‌ای عالی خواهیم داشت». او پس از نشست، در هواپیمای خود افزود: «تعرفه‌های مرگویی که آمریکا بر کالاهای چین اعمال می‌کند از ۵۷ درصد به ۴۷ درصد کاهش خواهد یافت. تمامی مسائل



مربوط به فلزات نادر حل‌وفصل شد و این توافق برای یکسال اعتبار خواهد داشت و سپس تمدید می‌شود. چین موافقت کرده است خرید محصولات انرژی آمریکا را آغاز کند. رئیس‌جمهور چین اجازه ازسرگیری واردات سویا، ذرت سفید و سایر محصولات کشاورزی آمریکا را صادر کرده است. چین همچنین ممکن است حجم گسترده‌ای از نفت و گاز ایالت آلاسکا را خریداری کند. من در ماه آوریل آینده به چین سفر خواهیم کرد و آقای شی نیز در تاریخی دیگر به آمریکا خواهد آمد.

شی جین‌پینگ نیز گفت: «توسعه چین با دیدگاه ترامپ برای عظمت دوباره آمریکا هم‌راستا است. من آشکارا گفته‌ام که چین و آمریکا باید شریک و دوست باشند و این همان چیزی است که جهان به آن نیاز دارد». او از همتای آمریکایی خود خواست تا «کانال‌های ارتباطی میان دو کشور باز بماند» و خطاب به ترامپ گفت: «من آماده‌ام تا از امروز با شما برای ساختن پایداری محکم در روابط چین و آمریکا همکاری کنم».

از این اتفاقات پیوسته که میان دو کشور درباره مسائل اعلام‌شده نوعی تفاهم حاصل شده است، مسائلی که جنبه اقتصادی دارند. هرچند این موضوعات برای آمریکا از نظر اقتصادی اهمیت فراوان دارد، اما اهمیت اصلی آن در تلاش واشنگتن برای جذب چین به دور کردنش از روسیه و نیز در چارچوب سیاست «همار و کنترل» است که آمریکا در پی تحقق آن است. از این‌رو این تفاهم‌ها درواقع مشوق‌هایی هستند که آمریکا برای جلب چین ارائه می‌کند. ترامپ کوشید چنین اتفاقا کند که دیگر هیچ اختلافی با چین باقی نمانده و درباره همچنین به توافق رسیده‌اند؛ روشی که همواره برای نمایش پیروزی‌های سریع و القای موفقیت به‌کار می‌گیرد تا هدف خود را، یعنی «بازگرداندن عظمت آمریکا»، برچسب زند.

بااین‌حال، در این نشست درباره موضوعات بسیار مهم سیاسی سخنی به میان نیامد؛ از جمله روابط روسیه و چین، جنگ اوکراین، مسئله تایوان، رقابت تسلیحاتی، توسعه موشک‌های هسته‌ای، فناوری‌های پیشرفته و هوش مصنوعی. چنین مسائل حساسی نه در مد دقیقه، بلکه حتی در مد روز نیز حل نمی‌شوند. ایالات متحده در پی آن است که توافقی سمجانبه با روسیه و چین منعقد کند که دو کشور را از توسعه سلاح‌های راهبردی‌شان، به‌ویژه موشک‌های مافوق‌صوت هسته‌ای، بازدارد اما تا کنون به این هدف دست نیافته است. ازاین‌رو واشنگتن تلاش خواهد کرد با دادن مشوق‌هایی به چین، همان‌گونه که در پرونده اوکراین به روسیه امتیازاتی می‌دهد، این هدف را محقق کند.

اما این آشکارا تمایلی ندارد روابط مستحکم خود با روسیه را به سود آمریکا قربانی کند؛ زیرا می‌داند واشنگتن در آینده، هنگامی که به‌طور یکجانبه از این رابطه بهره برد، او پشت خواهد کرد و در عرصه‌های گوناگون بر آن فشار وارد می‌کند. از دید یکی، روابط با روسیه همانند سلاح و برگ برده‌ای است در برابر فشارها و تهدیدهای آمریکا که واشنگتن را ناگزیر می‌کند در موضوعات مختلف با چین به تفاهم برسد.

چنین تمایلی ندارد که در اوکراین جانب آمریکا را علیه روسیه بگیرد، زیرا خود با مسئله‌ای مشابه روبروست؛ موضوع الحاق تایوان که آمریکا عاقدانه می‌کوشد آن را پیچیده‌تر کند تا مانع تحقش شود. بااین‌حال، واشنگتن

زود می‌تواند علیه آن‌ها بازگردد؛ چون این طبیعت است؛ آمریکا هر توافقی را اعلام می‌کند، به‌محض آنکه ببیند دیگر منافع کلانش را تأمین نمی‌کند، به‌سرعت از آن عدول یا آن را نقض می‌کند و خود را برای نقض دوباره می‌آمیزد؛ زیرا محور سیاستش منافع و حاکمیت اوست. از این‌رو می‌کوشد نفوذش را در همه‌جا گستراند و نفوذ سایر کشورها به دوست باشد یا دشمن تضعیف کند. به‌همین دلیل می‌بینیم که آمریکا دیگران را علیه چین تحریک می‌کند، برایش ائتلاف می‌سازد و پایه‌های نظامی‌اش را در اطراف چین تقویت می‌نماید. سخنرانی ترامپ، بر عرشه ناو هواپیمابر «جورج واشنگتن» در ژاپن در تاریخ ۲۰۲۵/۱۰/۲۸ پیش از دیدارش با شی نشان‌دهنده همین رویکرد است؛ او با غرور گفت «ما سلاح‌هایی داریم که هیچ‌کس حتی کوچک‌ترین تصویری از آن‌ها ندارد. حتی قدرتمندترین و پیشرفته‌ترین سلاح‌ها هستند، حتی پیشرفته‌تر از هر طرف دیگری» و با تکبر تهدید کرد: «هر قدرتی در جهان که بخواهد از ما پیشی بگیرد، آن را نابود خواهیم کرد». او پیش از دیدار، پیامی تهدیدآمیز به چین فرستاد.

پس هر کس که از سلاح خود دست بکشد و به وعده‌های دشمن اعتماد کند، خود را تسلیم او کرده است. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، قزاقستان به‌خطر اعتماد حاکمانش به روسیه برای حمایت، هزار موشک هسته‌ای‌اش را واگذار کرد و اوکراین نیز با اعتماد به تضمین‌های آمریکا در روسیه در خط امنیتیشت. ۱۴۰۰ موشک هسته‌ای‌اش را کنار گذاشت و هر دو به سرنوشتی که برای همه عیان است، گرفتار شدند.

از اینجا روشن می‌شود که جهت‌گیری ترامپ برای تفاهم با چین و نشان‌دادن پیروزی در این زمینه، پس از شکست تلاشش برای تفاهم با روسیه صورت‌گرفته است. او پس از دیدار قدماتی با پوتین در آلاسکا در تاریخ ۲۰۲۵/۸/۱۶ که هدفش حل‌وفصل مسائل معلق از جمله جنگ اوکراین بود، خواست که ماه گذشته پیش از دیدار با رئیس‌جمهور چین در کره جنوبی او در مجارستان دیدار کند، اما این دیدار را لغو نمود؛ زیرا از طریق دیپلمات‌هایش از جمله وزیر خارجه‌اش که تماس تلفنی پرتنش با همتای روس داشت، آگاه شد که آن ملاقات قادر به تأمین خواسته‌های او نخواهد بود.

گویب ترامپ می‌خواست پیامی برای روسیه بفرستد: «اینگم ما با چین در توافق کردیم و می‌توانیم آن را جذب کرده و از شما دور کنیم؛ پس یا با ما تفاهم کنید یا خواهیم باخت».

بااین‌حال، اختلافات اصلی و ریشه‌ای میان آمریکا و چین هنوز پابرجا است و از این‌رو ترامپ در تلاش است در آبریل آینده به چین سفر کند تا در غیاب اقل حل‌وفصل با روسیه، برای رسیدن به توافقی درباره این اختلافات بکوشد، مگر آنکه چنین حرکت‌هایی نشان دهد که دال بر فاصلمرگی از روسیه باشد که تا کنون چنین چیزی دیده نشده است.

اینگونه این قدرتهای شرور در حال توطئه‌چینی علیه یکدیگر و علیه دیگران‌اند، به‌ویژه علیه امت اسلامی و این ایجاب می‌کند امت دولتی خیرخواه و بخت‌بخش یعنی دولت خلافت بر منج نبوت برپا کند تا در برابر آن‌ها بایستد و جهان را از شروران رهایی بخشد.

ادامه : سودان پس از سیطره نیروهای پشتیبانی سریع بر شهر فاشر

سودان مسلط باشد؛ به‌عبارتی بر سودان دو پیگر پدید آید و این امر با تسلط حمایتی بر دارفور عملاً تحمیل شود. ما قبلاً در پاسخ به پرسشی در تاریخ ۲۰۲۳/۱۱/۱۹ به این طرح اشاره کرده بودیم و گفته بودیم: «آمریکا فضا را برای تقسیم برهان که منافضی اقتضا کند، آماده می‌سازد. تا اگر منافع آمریکا ایجاب کند، جدایی‌ای دیگر پس از جنوب سودان رخ دهد؛ به‌منظر می‌رسد که اکنون زمان جدایی نرسیده، اما آماده‌سازی‌های آن در جریان است». آنچه پیش‌تر گفتیم همین بود و اکنون به‌منظر می‌رسد که منافع آمریکا به شتاب‌دادن جدایی‌سازی دارفور نزدیک شده است و اگر ترامپ در اجرای آن موفق شود، خطر بزرگی خواهد بود؛ بنابراین امت باید در برابر او بایستد و خاموش نماند، همان‌گونه که هنگام جدایی جنوب سودان خاموش ماند.

هشتم: حزب التحریر از اوایل اسمال و در واقع از سال ۲۰۲۳ که آمریکا میان عوامل خود در سودان جنگی را شعلور ساخت، حاکمیت داده است که طرح آمریکا برای تقسیم سودان به کجا خواهد انجامید و اکنون گام‌های تقسیم را یکی پس از دیگری می‌بینید و بسیاری از فرزندان سودان خود را در این شکار میان عوامل آمریکا درگیر می‌یابند تا اهداف واشنگتن را محقق سازند و نفوذ را در سودان حفظ کنند و امروز طرف آمریکایی به آستانه تحقق جدایی و جاذدن ایلالت دارفور از سودان نزدیک شده است و این در حالی است که شما ترازگر هستیاید آیا در رهبری ارتش انسانی خردمند و قوی هست که ساتعی بنشیند و فکر کند و تصمیم بگیرد که خالصانه برای پروردگارش عمل کند و آنچه لازم است انجام دهد تا نقشه سودان را نقش‌برآب سازد و مزدورهای آمریکا را که دهها هزار تن از اهل سودان را کشته و میلیون‌ها نفر را آواره کرده‌اند، نابود کند نه برای هدف جز اجرای خواست واشنگتن؟ آیا مردی خردمند و نیرومند در رهبری ارتش نیست که قدرت سودان را به دست افراد پاکبختی سپارد و نصرت را به حزب‌التحریر دهد که مدت‌ها فریاد زده، هشدار داده و دعوت کرده که سودان به برپایی اسلام، تا از سودان، دولت اسلام، خلافتی دوم بر منتهج نبوت برآید؟ و چه در خردمند و قدرتمندی خواهد بود آن که در سباحت‌ونعالی او را وسیله قرار دهد تا ب آن به بنشارت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تحقق بخشد. سپس نژد الله سبحانه‌وتعالی برود درحالی‌که الله سبحانه‌وتعالی او را در تحقق بازآشتی خلافت راشده پیامبرش بکار گرفته است، پس از این سلطنت جبرانی که اکنون در آن بمسر می‌بریم...، سپس پادشاهی‌ای جبری پدید می‌آید، تا زمانی که در حاکمیت خودخواهد، خواهد داشت، آنگاه هرگاه بخواهد، آن را از میان برمی‌دارد. سپس خلافتی بر پایه روش نبوت برپا خواهد شد، و اینجا سکوت فرومرد.

دوازدهم جدایی‌الاولی ۱۴۴۷ هـ ق

۲۰۲۵/۱۱/۳

ادامه : آیا درگیری در لیبی دوباره شعلور خواهد شد؟

می‌کنند، قادر خواهد بود توازن میدانی‌ای بر سر موضوعات تجارت طلا و سوخت و حتی نسبت حضور روسیه در فزان به‌وجود آورد. کنترل منطقه حیاتی می‌گردد؛ جنوب با مرزهای چاد، نیجر و سودان، تالای دولت ملت‌های راهبردی برای تجارت طلا و اورانیوم، تسلط بر این مثلث به حمایتی قدرتی خواهد داد تا تجارت فرامرزی مواد معدنی را مدیریت کند و شاید قراردادهای بین‌المللی با آمریکا ببندد که مسیر بازرگان را کنار بگذارد. مذاکره در پرونده‌های مهاجرت، انرژی و امنیت مرزی؛ این موضوع متواتر او را به طرفی تبدیل کند که به‌مضتی بتوان او را تأیید گرفت. معق دفاعی و تقویت جدایی دارفور؛ با توجه به این‌که دارفور امتدادی طبیعی از جنوب لیبی از نظر قبیله‌ای و جغرافیایی است، تسلط بر جنوب لیبی به حمیدتی عمقی دفاعی در برابر هر تهدیدی از سوی ارتش سودان یا هر نیروی معارض از شرق سودان می‌بخشد و وضعیت جدایی‌طلبانه دارفور را تقویت می‌کند.

این اساس، احتفاظ مداخله حمیدتی در محنه لیبی واقعی‌تری به‌منظر می‌رسد؛ حفظ منافع ملموسی که از آن به‌جست خواهد آورد، بلکه در چارچوب تحولات جاری در سودان، جایی که او نفوذ خود را در غرب سودان تثبیت کرده و در پی گسترش نبوت بی‌سازیم، وده الله سبحانه‌وتعالی و بشارت رسول‌الله حوزه عمل خود تا جنوب لیبی است؛ مکانی که منافع قبیله‌ای صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

شما مردم مسلمان را گرسنه کردید، ای مسعود پزشکیان!

دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب‌التحریر تحت این عنوان در بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد: «ایران ورشکستگی بزرگ‌ترین بانک خصوصی خود، یعنی بانک آینده، را اعلام کرد. این بانک دارای ۲۷۰ شهید در ایران بود که پس از افزایش دیون آن به بیش از پنج میلیارد دلار، اعلام ورشکستگی کرد. آنچه در این میان موجب شکستی است، اقتادات مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور است؛ او با گفتن: «ما نفت و گاز داریم، اما گرسنه‌ایم»، بیانیه تکیه کرد؛ مسؤل این شکست مدیریتتی که رئیس‌جمهور ایران از آن سخن می‌گوید، خود رئیس‌جمهور است. مردم ایران باید گرسنه نباشند؛ ای مسعود پزشکیان درحالی‌که شما نفت، گاز و سایر ثروت‌ها و معادن را در اختیار دارید؟ آیا این وضعیت نتیجه سیاست‌های سخیف و نسجیده شما نیست؟ آیا ناشی از دوری شما از حکومت بر اساس اسلام نیست؟ همین سخن در حق دیگر سرزمین‌های اسلامی نیز صادق است، کاهان سفیه (ناخبره و کاردرد) در این کشورها، ثروت‌های عظیم امت را تباه می‌کنند و امکان بهره‌برداری از آن برای استعمارگران کافر فراهم می‌سازند و امت را از آن ثروت‌ها محروم می‌نمایند. سپس یکی از آنان می‌آید تا دلیل گرستگی را شکست مدیریتتی نویسد که در پایان، بیایم بی‌محابه خطاب به مسلمانان گفت: کوفه‌های و ناتوانی این حاکمانی که زمام امور شما را به دست گرفته‌اند؛ بی‌آنکه‌بسیاستی آن را داشته باشند بر هر صاحب‌بصیرتی آشکار گشته است. اکنون زمان آن رسیده است که بر آنان خیر یعنی ممنوعیت تصرف کنید؛ زیرا حکم کوتاه‌فکری و ناتوانی (السفیه) آن است که از تصرف در اموال برداشته شود و اختیار از او سلب گردد. با خلیفه‌ای واحد بیعت کند تا شما را بر اساس شریعت الله سبحانه‌وتعالی اداره کند، نظام را بر آن سرزمین‌هایتان براندازد تا در اسلام الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را محسوس کنید. خوشبخت گردید، ثروت‌های بفاخرت‌رفتار در آن سرزمین و عزت و کرامت داشتند رفتارشان را احیا نماید. ایک حزب‌التحریر، این پیشتاز که هرگز به اهل خود دروغ نمی‌گوید، شما را به همکاری با دولت‌سخت‌فکران راخشد دوم بر منتهج نبوت قرارمی‌خواند.

مردم این کشور از طریق فرایندی گذار، فراگیر و شفاف تعیین خواهند کرد که تحت سیطره هیچک از طرف‌های درگیر نباشد» و در یکی از بندهای دیگر تصریح شده است: «تمامی تلاش‌ها باید در جهت حمایت از راهل مذاکره‌شده برای پایان‌دادن به منازعه، با مشارکت مؤثر ارتش سودان و نیروهای پشتیبانی سریع، صورت گیرد». از یک سو، این گروه چهارجانبه قالیی است که آمریکا برای نمایش راحل خود در سودان به‌منوان راحلی منطقه‌ای برگزیده تا به‌ظاهر رضایت کشورهای اصلی منطقه نیز در آن احاطه شده باشد، درحالی‌که این کشورها جز با فرمان واشنگتن حرکتی نمی‌کنند و بدون اجازه آمریکا هیچ گامی برنمی‌دارند. از سوی دیگر، متن بیانیه صراحتاً به‌رسمیت‌ناختن هر دو طرف درگیری در سودان؛ ارتش و نیروهای پشتیبانی سریع، بر پایه برابری را نشان می‌دهد و از هر دو خواستار «مشارکت فعال» می‌شود؛ به‌گونه‌ای که نختها نیروهای پشتیبانی سریع «شورش‌ی» یا «جدایی‌طلب» نخواوند، بلکه حتی آنان را به توقف شورش‌شان فرا نخواهند است، درحالی‌که این نیروها عملاً دولت جدایی‌طلبی را برای تجزیه سودان تشکیل داده‌اند.

پنجم: پس از آنکه نیروهای پشتیبانی سریع بر شهر فاشر، شهری راهبردی را تسلط بر آن به‌منزله تصرف سراسر اقلیم دارفور با پنج ایالتش است، چیره شدند و از آنجا به بخش عمده این اقلیم پیش‌تر نیز در کنترل آنان بود، موافقت با آتش‌بس س‌ما‌هه (بلکه مطالعه آن) به‌روشنی به‌معنای اعتراف رسمی آمریکا به سیطره نیروهای پشتیبانی سریع و مشروعیت حضور آنان در دارفور و همچنین شهر آن، فاشر، است. زیرا این آتش‌بسی که آمریکا در پوشش «طرح گروه چهارجانبه» پیشنهاد داده، گامی مقدمتی بر مراحل بعدی مذاکرات میان دو طرف درگیری در سودان است؛ مذاکراتی که پس از آن صورت می‌گیرد که طرح‌های آمریکا، نیروهای پشتیبانی سریع را بر سراسر دارفور مسلط کرده است. پیش از این، کارگزار آمریکا «حمدان دقلاو»، معروف به «حمیدتی» در پایان فوریه ۲۰۲۵، در پایتخت کنیا، «نایروبی»، دولتی جدایی‌طلب به ریاست خود اعلام کرده بود که فعالیت آن از شهر «نیالا»، مرکز ایالت دارفور جنوبی، آغاز شد و اکنون بی‌تردید راه برای اشتغال دولت جدایی‌طلب حمیدتی به شهر فاشر کاملاً هموار شده است.

ششم: اما موضع ایالات متحده کاملاً سریع بود؛ نخبه هیچ‌گونه ناخشنودی از تسلط نیروهای پشتیبانی سریع بر شهر فاشر نشان نداد، بلکه خواستار اجرای گام بعدی از طرح آمریکایی برای سودان شد؛ آتش‌بس، یعنی عملاً راه را به‌طور کامل بر ارتش سودان برای بازپس‌گرفتن فاشر بست و سیطره «حمیدتی» بر آن را تثبیت کرد تا همین درگیری‌ای آرامش این کنترل را برهم زند. در هیچ زمینه، گزارش الجزیره در تاریخ ۲۷ اکتبر ۲۰۲۵ چنین نقل کرده است: «مسعد بولس، مشاور رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ در امور افریقا، از دو طرف درگیر در سودان خواست تا پیشنهاد آتش‌بسی انسانی را بررسی کرده و فوراً به تصویب برسانند. او افزود که طرحی برای آتش‌بس انسانی س‌ما‌هه ارائه کرده که با استقبال هر دو طرف درگیر در سودان مواجه شده است و از نیروهای پشتیبانی سریع خواست، بمسوی اجرای این آتش‌بس و توقف جنگ کامل بردارند. بولس در سخنانی در روز پیش از آن نیز گفته بود که جهان با نگرانی شدید، اقدامات نیروهای پشتیبانی سریع و وضعیت شهر فاشر را زیر نظر دارد و بر ضرورت حفاظت از غیرنظامیان تأکید کرد» (الجزیره نت، ۲۷ اکتبر ۲۰۲۵).

او این موضع را بار دیگر تأیید کرد؛ چنان‌که اسکای‌نیوز در تاریخ ۳ نوامبر ۲۰۲۵ او گزارش داد: «مسعد بولس، مشاور ارشد رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ در امور خاورمیانه، تأکید کرد که ارتش سودان و نیروهای پشتیبانی سریع با آتش‌بس س‌ما‌هه‌ای موافقت کرده‌اند؛ بر اساس طرح گروه چهارجانبه متشکل از امارات، ایالات متحده، عربستان سعودی و مصر که در دوازدهم سپتامبر گذشته اعلام شده بود. بولس در سخنانی از فاشر در دوشنبه توضیح داد که گفت‌وگوهای فنی و لجستیکی پیش از امضای نهایی آتش‌بس در جریان است و این کشورها نمایندگان دو طرف مدتی است در واشنگتن حضور دارند تا جزئیات این طرح را بررسی کنند. او افزود که پیشنهاد آتش‌بس، فرصتی واقعی برای پایان بحران به‌شمار می‌رود

مناطق مرکزی تحت کنترل خود به نیروهای ارتش در فاشر خودداری کردند. در نتیجه، آن نیروها در محاصره ماندند و با امکانات محدود خود از درون شهر در برابر حملات نیروهای پشتیبانی سریع مقاومت کردند. فرماندهی ارتش دولت برهان که پیروز اعدا می‌گیرد پایتخت‌های «خارطوم»، «ادرجان» و «بحری» را از حضور نیروهای پشتیبانی سریع پاکسازی کرده، بی‌تردید قادر بود از یگان‌های بزرگ خود در فاشر حمایت کند، اما در تمام این همهج اقدامی نکرد. به بیان دیگر، طرح آن بود که این یگان‌ها عمداً به حال خود راه شوند تا س‌رانجام فروپاشند. سوم: با دقت در زمان‌بندی رخدادها، روشن می‌شود که تسلیم شهر فاشر به نیروهای شورشی جدایی‌طلب «حمیدتی» دقیقاً هم‌زمان با گفت‌وگوهای صورت گرفت که آمریکا میان دو طرف سودانی در خاک خود برای توقف درگیری‌ها به راه انداخته بود؛ پس از آنکه شورای حاکمیت سودان وجود هرگونه مذاکره مستقیم با غیرمستقیم با ویزیرهای آمریکا را رد کرد. این اقدامات شاش ساختند که مدلی‌این سالم وزیر خارجه سودان وارد ایالات متحده شده است تا در چارچوب سفری رسمی درباره تلاش‌ها برای پایان دادن به جنگی که بیش از دو سال است در سودان جریان دارد گفت‌وگو کند» (العربیه، ۲۴ اکتبر ۲۰۲۵). این رویداد منتهایی جز یک چیز ندارد: آمریکا در واشنگتن دو هیئت وابسته به خود در سودان را گرد هم آورده است، یکی هیئت وابسته به «برهان» و دیگری هیئت وابسته به «حمیدتی»؛ بنابراین، انکار شورای حاکمیت سودان در واقع خود دلیلی بر وجود این گفت‌وگوهاست، و اجرای دستور آمریکا از سوی این دو عامل، تنها دو یا سه روز بعد، به‌صورت علنی در فاشر به انجام رسید. طبق همین منبع: «منافع به‌العربیه و افریقا گفته‌اند که وزیر سودانی در ایالات متحده سلسله‌ای از دیدارها با مقام‌های دولت آمریکا از جمله مسعد بولس مشاور ارشد رئیس‌جمهور آمریکا در امور خاورمیانه و افریقا خواهد داشت. وی همچنین دیدارهایی با شماری از همتایان عرب خود برگزار خواهد کرد. این سفر به دعوت رسمی دولت آمریکا و با هدف بررسی پرونده‌های از منافع مشترک انجام می‌گیرد. افرزن بر این، یکی از مقام‌های آمریکایی به العربیه و الحدث اعلام کرد که بولس ریاست نشست کشورهای عضو گروه چهارجانبه درباره بحران سودان را بر عهده خواهد داشت». شواهد دیگر نیز این واقعیت را تأیید می‌کند که آمریکا دو هیئت وابسته به خود را در واشنگتن گرد هم آورده است: یک مقام دیپلماتیک روز پنجشنبه اعلام کرد که کشورهای عضو گروه چهارجانبه (ایالات متحده، عربستان سعودی، امارات و مصر) امروز در واشنگتن با نمایندگان ارتش سودان و نیروهای پشتیبانی سریع دیدار خواهند کرد تا دو طرف را به برقراری آتش‌بسی انسانی به مدت سه‌ه ماه وادار کنند. وی افزود: هدف از این اقدام، فشار هماهنگ برای تثبیت آتش‌بس و تسهیل ورود کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان است» (العربیه، ۲۴ اکتبر ۲۰۲۵).

به این معنا که هم‌زمانی یورش پشتیبانی سریع به فاشر و تخلیه آن توسط ارتش سودان با نشست واشنگتن، تردیدی باقی نمی‌گذارد که تصمیم واگذاری این شهر راهبردی به نیروهای پشتیبانی سریع در خود واشنگتن اتخاذ شده است و دو طرف سودانی بلافاصله پس از بازگشت از آن نشست، یعنی دو روز بعد، اجرای آن را در میدان آغاز کردند و نتیجه نیز بر روز سوم تحقق یافت. چهارم: نشست یادشده در واشنگتن در واقع گام دوم از طرح آمریکا بود که در پی گام نخست آن صورت گرفت؛ زمانی که ایالات متحده، کارگزاران و تبا‌هان خود در منطقه را در چارچوب آنچه «گروه چهارجانبه» (شامل عربستان سعودی، امارات و مصر) تأیید می‌شود، گرد هم آورد تا اراده خود را در زمینه توقف درگیری‌ها در سودان به اجرا گذارد.

بسیکه العربیه در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۵ به نقل از شبکه س‌ما‌هه از آن نشست نوشت: «به دعوت ایالات متحده، وزرای خارجه آمریکا، مصر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی نشست مشورتی عینی درباره درگیری سودان برگزار کردند. آنان یادآور شدند که این درگیری موجب بروز یکی از بدترین بحران‌های انسانی در جهان شده و تهدیدی جدی برای صلح و امنیت منطقه‌ای به‌شمار می‌آید. وزرا بر تعهد خود به مجموعه‌ای مشترک از اصول برای پایان‌دادن به این درگیری تأکید کردند». در بند چهارم بیانیه آمده است: «آینده حکومت در سودان را

تمرینات «قنقوس اکسپرس ۲۰۲۵»؛ فصلی از فصول گردن‌نهان تونس به سلطه آمریکا

آمادگی تونس برای میزبانی از دور جدید تمرین دریایی چندجانبه قنقوس اکسپرس ۲۰۲۵ در ماه نوامبر جاری، در حالی صورت می‌گیرد که این تمرین سالانه توسط فرماندهی افریقای آمریکا (آفریکام) سازماندهی می‌شود. رژیم تونس با امضای توافق‌نامه همکاری نظامی با آمریکا در تاریخ ۲۰۲۰/۹/۳۰ میلادی، کشور را در این ورطه گرفتار ساخت؛ توافق‌نامه مارک اسپر، وزیر دفاع آمریکا، آن را نقشه‌راهی دمساله توصیف کرده بود. در همین راستا، بیانه مطبوعاتی حزب‌التحریر ولایت نبوت یادآور شد که حزب، همان زمان امضای این توافق خطرناک، تبیین کرده بود که این امر فراتر از قراردادهای تنشی است؛ بلکه آمریکا در حال ترسیم یک پروژه عظیم است که تکمیل آن به ۱۰ سال کامل نیاز دارد. حزب افزود که این نقشه‌راه، به ادعای آمریکا، مربوط به نظارت بر مرزها، حفاظت از بنادر، مبارزه با اندیشه افراطی و مقابله با روسیه و چین است. این موضوع، به نهایت فاجعت، به معنای کاستن از حاکمیت تونس و در واقع نقارت مستقیم بر کشور ماست.

این بیانیه تأکید کرد که حزب‌التحریر در ولایت تونس، با وجود مزاحمت‌ها، بارزداشته و محاکم نظامی که جوانات ما به دلیل اعلام صریح کلام یک در آن مواجه هستند، یکبار دیگر بر افراخوان خود برای لغو این توافق استعاری شوم تأکید می‌کند؛ توافقی که هدف از آن، کشتادن کشور و تمام سرزمین‌های مغرب اسلامی و تسلیم کردن آن‌ها در برابر سیاست‌های پلید آمریکا است. همچنین، حزب دوباره ندای خود را به اهل قدرت و شوکت در تونس و سایر سرزمین‌های اسلامی تکرار می‌کند تا نسبت به آنچه دشمنان امت در حال توطئه‌چینی و فریب‌دادن آنان هستند، آگاه باشند و بداندند که واجب شرعی ایجاب می‌کند که یاری‌دهنده دین خود نباشند، دشمن کین‌گرده در کشورشان و امتشان را دفع کنند و کلام الله سبحانه‌وتعالی را با یاری‌کردن کسانی که برای تحکیم شریعت او و برپایی دولتش یعنی دولت خلافت راشده دوم بر منتهج نبوت تلاش می‌کنند، والا سازند.

هشدار ! مبدا غرب ثمرهٔ انقلاب ما را بچیند

استاد شادی العبود

قیام شام برای سرنگونی رژیم مجرم به‌دست دستان پاک فرزندانش برپا شد و شعارهایی روشن داشت که در گذر زمان به‌صورت هویتی واحد برای این قیام مبارک شکل گرفت؛ این قیام نه قومگرا بود و نه ملی‌گرا، بلکه صرفا اسلامی بود و برای اثبات این مطلب شرح بسیاری لازم نیست؛ شواهد فراوان‌اند و همگان از نزدیک و دور آن را دریافتند؛ بنابراین قیام شام خالصانه اسلامی بود و الله سبحانه‌وتعالی خواست که آن قیام، آن نهادهای دروغگو و فریبکار را رسوا سازد؛ از حکام خان گرفته تا جامعه عربی، تا سازمان ملل و شورای امنیت آن، و تا «حقوق بشر» و دیگر نام‌هایی که با شعارهای درخشان و فریبنده جلوه می‌کردند؛ همهٔ این نام‌ها به‌واسطهٔ قیام شام سا‌ف و رسوا شدند؛ بلکه این نهادهای آشکارا برعکس آنچه ادعا می‌کردند ظاهر شدند و در حقیقت بزرگترین یاری‌رسان رژیم جنایتکار برای ادامهٔ قتل و اخراج و آوارسازی مردم شام بودند.

با سقوط آن نهادهای در برابر چشم مردم قیام پس از آزمون، تقی آن‌ها به الله سبحانه‌وتعالی و توسلشان به نصرت و یاری الهی افزوده شد؛ مبانی و ثوابت این قیام مبطل و باطل نبودند، بلکه این نهادهای رژیم مجرم بود؛ پس از آن جنایات و ستم رژیم، مردم شام دیگر هرگز قبول نخواهند کرد که هیچ نمادی از نمدایی از رژیم پس از پیروزی قیام یاب‌ مانند، فارغ از آن واقعیت‌ها که آمریکا می‌باشد به ادارهٔ فعلی تحمیل کند. ثوابت بود، حفظ هرگونه رابطه با غرب کافر و نهادهای استعماری آن بود؛ نهادهایی که در واقع بزرگترین یاری‌دهنده و حامی رژیم جنایتکار در قیام مردم قیام بودند. ثابت آخر متجلی در برپایی حکومت عظیم اسلام بر خرابه‌های رژیم مجرم بود؛ زیرا تنها با اسلام است که عدالت تحقق می‌شود، کرامت بازمی‌گردد، و نهادهای از مجرمن گرفته می‌شود. بر اساس این مبانی و ثوابت است که هرچه فداکاری‌ها و خون‌هایی که در راه قیام مبارک ما داده شده، حفظ و پاس داشته خواهد شد.

الله سبحانه‌وتعالی به فضل و کرمش خواست که اهل شام را به پیروزی عظیم مقصر سازد و آن‌ها را از اسد را که سال‌ها بر سینه‌هایشان سنگینی می‌کرد سرنگون کردند. اکنون بر حکام امروز است که قول الله سبحانه‌وتعالی را به یاد آورند: «عسیٰ رنگین آن نیکل دشوکم ویستغفکم فی الارض فیظفر کیف تمفلون» «امید است که پرودگارتان دشمنان را هلاک سازد و شما را در زمین جایگزین گرداند تا ببیند چگونه عمل می‌کنید».

امروز رب ما سبحانه‌وتعالی اهل شام را جانشین ساخته و آن‌ها را در برابر مسئولیت بزرگ و آزمون خود قرار داده است؛ باید آن‌ها در خور این پیروزی‌ای که الله سبحانه‌وتعالی به آن‌ها ارزانی نموده را داشته باشند و تره احکام عظیم عزیز را دخیال کنند، پیش از آنکه این محروم شوند. این امر جز با حفظ هرگونه رابطه با غرب کافر و دستگاه‌های سازش‌اندیش و اجرائی مسئولیت احکام اسلام، بدون تأخیر، محقق نخواهد شد. الله سبحانه‌وتعالی پس از سقوط دشمنان جانشینشان گردانید. در مرتبه نخست مسئول‌اند و این مسئولیت با واپج امر به‌معروف و نهی ازمنکر و نیز الزام مدیریت جدید به پاسخگویی نسبت به راهی که در پیش گرفته راهی که تسلیم دهنده‌ای است که بر آن‌ها فشار می‌آورد تا اسلام را طرد کنند و نظام سکولار را حفظ نمایند و صرفا به جابه‌جایی چهره‌ها قناعت کنند، تجلی می‌یابد.

یورش ترامپ به دموکرات‌ها؛ انقلاب بر ضد دموکراسی و بر ملاکردن دروغین بودن آن

(الجزیره نت، چهارشنبه ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ هجری، ۵ نوامبر ۲۰۲۵ میلادی) دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، سلسله‌ای از اظهارات تند را مطرح کرد که در آن عملکرد دموکرات‌ها، نظام رای‌گیری، سیاست‌های مهاجرت و تعطیلی دولت را مورد انتقاد قرارداد و تأکید کرد که زمان آن رسیده است که جمهوری‌خواهان گام‌های قاطعی بردارند (شبکه الجزیره).

تعلیق: از زمان ظهور دونالد ترامپ در محنه سیاسی آمریکا، جهان شاهد جنجالی گسترده پیرامون ماهیت گفتار و شیوه برخورد او و رقابای سیاسی‌اش بوده است. برخی او را اصلاح‌گری می‌دانند که می‌خواهد آمریکا را به «عظمت از دست‌رفته‌اش»، بازگرداند و برخی دیگر او را تهدیدی مستقیم برای ارزش‌های دموکراسی قلمداد می‌کنند. با این حال، پرسش مهم‌تر باقی می‌ماند: آیا یورش مداوم ترامپ به حزب دموکرات تنها یک نزاع سیاسی طبیعی است، یا در صورت خود، انقلابی بر ضد خود دموکراسی آمریکایی است؟ یورش ترامپ به دموکرات‌ها، به‌منظابه یک انفجار داخلی در قلب نظام آمریکایی رخ می‌دهد؛ زیرا نزاع حقیقی میان طبقه نخبه که کنترل مفاصل اصلی دولت را در دست دارد و مردم آمریکا که احساس می‌کنند صدایشان دیگر در تصمیم‌گیری‌های سیاسی تأثیرگذار نیست، را آشکار می‌سازد.

هرچند حمله ترامپ به دموکرات‌ها ممکن است تمریدی بر ضد هنجارهای سیاسی آمریکا به نظر آید، اما در حقیقت آینه‌ای است که بحران خود دموکراسی غربی را بازتاب می‌دهد. این تنها انقلاب بر ضد دموکراسی نیست، بلکه پرده برداشتن از زشتی و دروغین بودن آن است و نشان می‌دهد که دموکراسی فزده‌ای است که منتقد دولت خلافت است تا جزوئی، و نشا: آن را در دین اسلام، پس مسئولیت ما این است که به این یقه‌بینی هم‌رسیم که مسیر نهضت با تقلید از غرب به دست نمی‌آید، بلکه با بازگشت به هویت و شریعت‌مان و عدالتی که الله سبحانه‌وتعالی برای ما خواسته است، محقق می‌شود.

خطاب به مخلصان نوادگان قهرمانان عثمانی!

ما از مخلصان نوادگان قهرمانان عثمانی می‌پرسیم: آیا ارشش عظیم، شما را چه شده است؟! این همه خواری و ضعف از کیا آمده است؟! آیا از کمبود تجهیزات و عده و غده است؟ چگونه چنین چیزی ممکن است، درحالی‌که شما قوی‌ترین ارتش در خاورمیانه هستید و رتبه هشتم را در میان قوی‌ترین ارتش‌های جهان دارید، درحالی‌که رژیم بعود در رتبه یازدهم جای دارد؟ یعنی شما در تمام جوانب از آن‌ها پیش هستید؛ پس چگونه است که تنگ و خواری را می‌پذیرید؟! ارتش جهانی ممکن است یک نبرد را ببرد، اما هرگز یک جنگ را نخواهد باخت؛ زیرا آن عزمی که فرماندهان و سربازانش را شملهور ساخت، همان عزمی است که بدین چنین و برومک را آفرید؛ همان عزمی است که ابتدئاً در فتح رند و محمد فاتح را بر آن داشت که قسطنطنیه را فتح کند و همین عزم است که مسجد‌الاقصی را آزاد خواهد ساخت و امور را به نصب واقعی خود باز خواهد گرداند. ما تأکید می‌کنیم که عینقه نظامی ملی‌گرایانه ضایع شده و حفظ نگریده است؛ این عقیده، عقیده سستی و عقب‌نشینی است که هیبت ارتشش را از بین میرد، زیرا درجه‌ای برای قتل در راه الله سبحانه‌وتعالی نمی‌گشاید. این عقیده‌ای است که نظامی‌گری را به شغلی برای دریافت حقوق تبدیل کرده است و به این ترتیب، سربازی به باری سنگین بر دوش جوانان تبدیل شده که از آن فرار می‌کنند. این عقیده‌ای است که درجات نظامی را صرفا برای فقرفروشی قرار داده و ارتش را از معنای حقیقی خود تهی ساخته است.

ما در حزب‌التحریر، فرزندانمان در ارتش ترکیه را فرامی‌خوانیم که از ترک جهاد و یاری‌رکنردن مسلمانانی که استفاده می‌کنند، دست بردارند؛ زیرا این عملی منکر و بسیار پائینست. است. پس دروهٔ سنام این دین (لقه و جلد دین، اشاره به جهاد) را رها نکنید تا در دو جهان، دنیا و آخرت رستگار شوید.

بحران آمریکا و ونزوئلا

استاد خالد علی – آمریکا

علاقه دولت‌های آمریکا به ونزوئلا به اوایل قرن بیستم بازمی‌گردد؛ زمانی که در این کشور، نفت در حجم‌های عظیم کشف شد. شرکت‌های انرژی آمریکایی برای دوهم‌ها کنترلر نفت ونزوئلا را در دست داشتند، تا اینکه دولت ونزوئلا در سال ۱۹۷۶ صنعت نفت را ملی‌سازی کرد.

ونزوئلا سال‌ها با بحران شدید اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی دست‌وپنجه نرم می‌کرد، تا اینکه در سال ۱۹۹۸ هوگو چاوز به قدرت رسید. پس از آن، ونزوئلا به روسیه، چین و ایران نزدیک شد و سیاست‌های سوسیالیستی و چپ‌گرا را در پیش گرفت تا اینکه در سال ۲۰۱۳ درگذشت. پس از او نیکولاس مادورو جانشینش شد و همان رویکرد سوسیالیستی چاوز را ادامه داد، اما اقتصاد کشور بیش از پیش دچار فروپاشی شد و انزواي بین‌المللی ونزوئلا شدت گرفت. آمریکا تحریم‌های متعددی علیه این کشور وضع کرد و نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری آن را به رسمیت نشناخت. همچنین در سال ۲۰۲۰ وزارت دادگستری آمریکا مادورو را به تجارت و قاچاق مواد مخدر به داخل آمریکا متهم کرد.

ونزوئلا از غنی‌ترین کشورهای جهان از نظر منابع طبیعی است، این کشور با بیش از ۳۰۰ میلیارد بشکه ذخایر نفتی، در رتبه نخست جهان قرار دارد و همچنین با بیش از ۱۹۵ تریلیون فوت مکعب ذخیره گاز طبیعی، چهارمین کشور جهان در این زمینه است.

در ماه‌های اخیر، آمریکا به بهانه مبارزه با قاچاق مواد مخدر علیه ونزوئلا دست به اقدامات تنش‌زا زده است. در ۹ اوت سه تاو جنگی در نزدیکی سواحل ونزوئلا مستقر کرد. در ۲ سپتامبر نخستین حمله هوایی را علیه آنچه «کشتی حامل مواد مخدر» از ونزوئلا خوانده شد، انجام داد. سپس در ۳ اکتبر وزیر جنگ آمریکا اعلام کرد که دستور ضرب‌وجزدن به یک قایق حامل مواد مخدر در همان سواحل را داده است. رئیس‌جمهور ترامپ نیز اعلام کرد که به سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) اجازه «اقدامات مخفیانه» در داخل ونزوئلا را داده است. در مجموع، مقامات آمریکایی مسئولیت ۱۵ حمله در هفته‌های اخیر را پذیرفته‌اند که طبق گزارش‌ها، این حصاات به کشته‌شدن ۶۲ نفر منجر شده است.

روزنامه آمریکایی نیویورکتایمز گزارش داده است که برخی مقامات به‌صورت خصومی به این روزنامه گفته‌اند: هدف اصلی این اقدامات، سرنگونی نیکولاس مادورو است، اما آمریکا به‌طور رسمی ادعا می‌کند که عملیات برای تعقیب «باند‌های تئوریستی لاتین فعال در تجارت مواد مخدر» انجام می‌شود؛ باند‌هایی که ممکن است به سمت مرزهای آمریکا در حرکت باشند.

بمنظر می‌رسد آمریکا به رهبری ترامپ در پی آن است که کنترل منابع طبیعی ونزوئلا را به‌دست بگیرد، به‌ویژه نفت، گاز طبیعی، طلا و فلزات کمیاب. آنچه تنش را بیشتر می‌کند، روابط تجاری ونزوئلا با چین و روسیه است؛ چنان‌که حجم تجارت میان چین و ونزوئلا در سال ۲۰۲۴ به ۶۰۵ میلیارد دلار رسید و همچنان روبه‌افزایش است. این روند، فشار آمریکا را بالا برده و رفتار آن را نسبت به این نزدیکی، متخاصم‌تر می‌کند. آمریکا، ونزوئلا و دیگر کشورهای آمریکای لاتین را «می‌باخولوت» خود می‌داند و معتقد است تنها او حق دارد منابع این کشورها را در اختیار داشته باشد و نزدیک شدن هر قدری به این منطقه را «خط قرمز» تلقی می‌کند؛ خطی که به‌زعم آمریکا، با برانگیختن جنگ‌ها یسادری می‌شود؛ همان‌گونه که در یورش به پاناما

تحقیر آمریکا نسبت به شهروندان خود؛ رهاکردن زنان و کودکان در روسگی

برنامه کمک غذایی تکمیلی (SNAP) یک برنامه فدرال (دولتی) است که به افراد و خانواده‌های با درآمد کم و دارای معلولیت کمک می‌کند تا از بارانه‌های الکترونیکی رای خرید دارو و نوشیدنی‌ها (به جز مشروبات الکلی) و همچنین بذر برای کشت مواد غذایی خودشان، استفاده کنند. گزارش‌ها حاکی از آن است که ۴۲ میلیون آمریکایی برای تأمین غذای خود و خانواده‌شان به برنامه‌های SNAP وابسته هستند. در درم‌د از بزرگسالانی که این کمک‌های غذایی را دریافت می‌کنند، نر هستند که اغلب این‌ها مادران مجرد هستند و ۳۹ درصد از دریافت‌کنندگان را کودکان تشکیل می‌دهند. این آمار بدین معناست که تقریبا هر از پنج کودک، یک کودک برای در امان ماندن از گرسنگی، به این کمک‌ها وابسته است. همچنین، تعطیلی دولت فدرال باعث شده است که برخی ایالت‌ها مجبور شوند راه‌های دیگری برای تأمین مالی برنامه‌های غذای رایگان و یاریانه‌ای در مناطق آموزشی خود بیابند تا کودکان‌ها که قرار است نماندند آن‌ها باشند، ترجیح می‌دهند؛ همان‌طور که غذا نمانند. در نتیجه این وضعیت، انبارهای متعدد غذا که در سراسر کشور پرانگهه هستند، تصاویر قفسه‌های خالی خود را منتشر می‌کنند و از مردم می‌خواهند تا با اهدای غذا و کارت‌های هدیه رفروگاه‌های مواد غذایی، تقاضای فزاینده برای غذا را پاسخگو باشند.

در این راستا، بخش زنان در دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب‌التحریر در بیانیه‌ای مطبوعاتی اظهار داشت: باید پرسیم که چگونه فروتنم‌دترین کشور جهان می‌تواند این واقعیت را نادیده بگیرد که میلیون‌ها نفر از آسیبیخته‌ترین شهروندان‌ش، غذای کافی برای خوردن نخواهند یافت؟ شاید پرسید آمریکا پول خود را حتی در دوران تعطیلی دولت، کجا خرج می‌کند؟ پاسخ این است: به جای تضمین غذای کافی برای آمریکایی‌ها، آن‌ها میلیاردها دلار به رژیم بعود می‌فرستند تا فلسطینیان را به قتل برسانند. این حاکمی است که ساخت یک سالن باشکوه جشن را مهم‌تر از هر چیز دیگری می‌داند، درحالی‌که نیازمندان دیگر، منابع بقیشم خود را بر رها کرده‌اند که هزاران نفر بی‌پناهند آن‌ها باشند، ترجیح می‌دهند؛ همان‌طور که می‌بینید، آمریکای سرمایه‌داری هرگز به رعایت امور شهروندان‌ش اهمیتی نداده است، بلکه تنها دفعه‌ه آن، اراده حمایت نظامی و مالی به کسانی است که کودکان سراسر جهان را از حقوق اولیه‌شان در امنیت، غذا، سرپناه و آموزش محروم می‌کنند؛ یاری‌این، این کشور کودکان آمریکا را نیز رها می‌کند تا از گرسنگی و نامنی رنج ببرند و از آموزش و مراقبت‌های بهداشتی مناسب بی‌بهره باشند.

یادداشتی مناسب بی‌بهره باشند.